

نگاهی جامع به تحولات و اتفاقات سه ماهه اخیر منطقه غرب آسیا

در گفتگوی علمی که با دکتر محمد صادق کوشکی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و استاد مدعو مرکز مطالعات آمریکا صورت گرفت، در مورد تحولات منطقه و برخی از مهم‌ترین تحولات منطقه غرب آسیا طی سه ماه اخیر، سؤالاتی پرسیده شد که در ادامه، پرسش و پاسخ‌های ایشان را می‌خوانیم:

*** در ابتدا با توجه به تحولات جنگ یمن و پیشنهاد آتش‌بسی که صورت گرفت، می‌خواهیم توضیحاتی اجمالی در مورد یمن، جبهه آرایبی موجود در آن و جنبش انصارالله این کشور داشته باشید:**

بسم الله الرحمن الرحيم

سعودی‌ها از زمان وحدت دو یمن در سال ۱۹۹۰ میلادی، این کشور را به قبضه خودشان درآوردند. با توجه به اینکه رویکردی که علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور این کشور داشت و عملاً با توجه به ضعف این فرد، سعودی‌ها خودشان را حاکم بلانماز این کشور می‌دانستند. یمن، همسایه کشورهای عمان و عربستان بوده و بیشترین مرز

آن با سعودی است. سعودی‌ها با کمک رژیم صهیونیستی، اقداماتی را طراحی کردند که یمن را به کشوری فقیر تبدیل کنند، علیرغم این‌که این کشور در حوزه نفت، کشاورزی، جهانگردی و آثار باستانی در جهان عرب، بی‌نظیر بود و با وجود این زیرساخت‌ها و وجود مردمی تلاش‌گر، این کشور فقیرترین کشور جهان عرب و متکی به کمک‌های سعودی شد.

علی عبدالله صالح در ۲۲ سال حکومت خود بر یمن، این کشور را در بست در اختیار مبلغان وهابی قرارداد که این مبلغان در آسودگی، وهابیت را تبلیغ می‌کردند و این کشور را به حیات خلوت خود، تبدیل کرده بودند که متأسفانه در مواردی، تأثیرات جدی نیز بر جای گذاشتند؛ اما به موازات این موضوع، یک مسیری از انقلاب اسلامی شکل گرفت و سید بدرالدین الحوثی، به دلیل آشنایی با اندیشه‌های حضرت امام، موفق شد تا جنبشی به نام انصارالله را در منطقه صعده استان شمالی یمن، تشکیل دهد که به تدریج، به پایتخت

یمن یعنی صنعا نیز رسید. زمانی که در مقطع بیداری اسلامی، مردم این کشور علیه علی عبدالله صالح قیام کردند، سعودی‌ها و اماراتی‌ها با هماهنگی شورای همکاری خلیج فارس و با دخالتی که داشتند، معاون عبدالله صالح را به حکومت رساندند؛ اما وقتی جنبش انصارالله با کمک چندین حزب دیگر، ائتلافی تشکیل دادند و علیه منصور هادی قیام کردند، او نیز استعفا داد، از کشور فرار کرد و در نتیجه، دولت عملاً به دست جنبش انصارالله افتاد. البته برآوردی که سعودی‌ها داشتند، این بود که با یک حمله دوهفته‌ای، می‌توانند این حرکت را در هم بشکنند و یمن را کاملاً تسخیر کنند، لذا ائتلافی از کشورهای قطر، بحرین، امارات، مصر و با حضور هزاران نیروی مزدور از ارتش سودان و آمریکای لاتین، تشکیل دادند که دوهفته‌ای این دولت مردمی را شکست دهند که در نهایت، این عملیات از سال ۲۰۱۴ شروع شد و تا امروز، ادامه پیدا کرد و شکی نیست که امروز، مقطع شکست سعودی‌ها است.

*** مسئله مهمی که در مورد جنگ یمن و تحولات این کشور وجود دارد، این است که بسیاری از کشورهای غربی و عربی، معتقدند که اگر ایرانی‌ها و جمهوری اسلامی نبود، این کشور نمی‌توانست در مقابل سعودی‌ها ایستادگی کند، لذا اسلحه ایرانی است که در مقابل سعودی‌ها ایستاده است، بنابراین، سؤالاتی که مطرح بوده، این است که نقش ایران در پیشرفت موشکی و پهپادی یمن، به چه میزان بوده است؟ در ابتدا باید گفت که علی‌رغم کمک نیروی هوایی آمریکا، انگلیس و آلمان به سعودی‌ها برای تخریب منازل مسکونی و زیرساخت‌های یمن طی این سال‌ها، معادله جنگ برگشته است؛ جنگی که تصور می‌شد دوهفته‌ای تمام شود، اکنون در هشتمین سال آن قرار داریم. کشورهای قطر و بحرین در ابتدا، متوجه این مسئله شدند و خودشان را کنار کشیدند که حتی به جنگ نیروهای امارات با سعودی‌ها و نیروهای مورد حمایت آنان، منجر شد و اکنون، دو کشور امارت و سعودی به دنبال راهی**

هستند تا از این باتلاق خارج شوند و شکی نیست که این اتفاق، حاصل عمل جنبش انصارالله است که برگرفته از اندیشه‌های امام خمینی (ره) و متکی بر خدا باوری و خودباوری است. در واقع، کلید موفقیت انصارالله یمن، همین مسئله است و به همین دلیل، سعودی‌ها باور نمی‌کنند که توان موشکی و پهپادی انصارالله، بیش از آنکه محصول کمک‌های ایران باشد، محصول خلاقیت و فکر جوانان یمن است! سعودی‌ها چندین دهه، مردم یمن را تحقیر کردند و با تعبیری که سعودی‌ها به کار می‌بردند، مانند حیوان با آن‌ها رفتار داشتند؛ اما همین مردم مظلوم، علیرغم این که با کمک شناورهای آمریکایی در محاصره سعودی‌ها قرار دارند، در پرتو اندیشه‌های انقلاب اسلامی، خدا باوری و خودباوری، به چنین قدرتی دست یافته‌اند. همان‌طور که گفته شد، یمن از طریق خشکی با دو کشور عمان و عربستان، همسایه بوده که عمان نیز عضو شورای همکاری خلیج فارس است؛ اما با این حال، هنوز سعودی‌ها باور ندارند که

توان نظامی یمن، حاصل فکر و تلاش خود یمنی‌ها باشد و مرتباً تکرار می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران به آن‌ها تسلیحات می‌دهد و حتی برای تحقیر این جنبش، از واژه حوثی‌ها استفاده می‌کنند و با این کار، می‌خواهند این جنبش مردمی و فکری را که برگرفته از انقلاب اسلامی است، به یک خانواده شورشی تغییر دهند. آنچه امروز در یمن، شاهد آن هستیم، تبلور اندیشه خالص انقلاب اسلامی و الگو گیری از حزب الله لبنان است که نقش مهمی در تغییر موازنه جنگ در یمن داشته است. جنبش انصارالله از ابتدای تشکیل تا به امروز، گام به گام در مسیر حزب الله حرکت کرده و این الگو گرفتن از یک جنبش موفق به نام حزب الله لبنان، نقش مهمی در تغییر معامله توسط انصارالله داشت که امروز، توانسته است دست برتر را در نبرد داشته باشد و همین مسئله، باعث شده تا سعودی‌ها بعد از ۸ سال، خواسته‌های انصارالله را بپذیرند و این محاصره دارویی و غذایی را کنار بگذارند و مجبور شوند، پروازهای فرودگاه صنعا را - که بارها این فرودگاه را

مبارازان کرده بودند- بردارند و خواسته‌های انصارالله برای باز شدن فرودگاه، بندر و رفع محاصره اقتصادی این کشور را بپذیرند. جنگ یمن ثابت کرد یک مقاومت اسلامی مردم پایه، می‌تواند بر قدرت‌های فرعون‌ی و قارونی غربی، عبری- عربی، غلبه پیدا کند و سندی از موفقیت اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی باشد. *** به نظر شما، علت سفر غیرمنتظره بشار اسد به تهران چیست؟ آیا خبری در راه است؟** در روزهای اخیر، شاهد سفر هیئت بلندپایه سوری به تهران، به ریاست بشار اسد بودیم که در این سفر، علاوه بر ملاقات با رئیس جمهور ایران، دیداری نیز با رهبر انقلاب داشتند. این سفر از چند زاویه قابل بررسی است: ۱. در حال حاضر کشور سوریه مورد حمایت جمهوری اسلامی است و با کمک‌های روسیه، در یک وضعیت ثبات نسبی قرار دارد. هرچند هنوز با مشکلات جدی امنیتی روبه‌رو است که می‌توان به اشغال بخش‌هایی از این کشور (بخش‌های کردنشین در شمال رود فرات که در اشغال

نیروهای آمریکایی و نیروهای هم‌پیمان آن است و مناطق دیگری از شمال سوریه در فواصل ۲۰ الی ۴۰ کیلومتری از مرز ترکیه که توسط ارتش ترکیه، اشغال شده و همین‌طور بخش مهمی از منطقه و شهر عدله که هنوز در تصرف گروه‌های تکفیری و سلفی است) اشاره کرد. ۲. در سال‌های گذشته، هر منطقه از سوریه که آزاد می‌شد، با نظارت سازمان ملل، آن منطقه تخلیه می‌شد و مسلحان تروریست به ادلب در جنوب ترکیه و شمال غرب سوریه می‌رفتند که اکنون، تعداد زیادی از گروه‌های تکفیری و تروریستی، در این منطقه حضور دارند و تخمین زده می‌شود که تعدادشان، ۵۰ هزار نفر باشد. همچنین، هنوز در همه شهرهای سوریه، لکه‌گیری از این گروه‌ها، صورت نگرفته و بخش‌هایی از این کشور، هنوز آلوده است و از بقایای داعش در آن وجود دارد. ۳. به واسطه جنگ اوکراین، روس‌ها تا حد زیادی سوریه را ترک کردند و دیگر تمرکز برای این کشور ندارند.



سال پیش، سعودی‌ها به نیابت از طرف‌های غربی، تبلیغات پرحجمی را آغاز کرده بودند و با صرف هزینه‌های صد میلیون دلاری، به دنبال این بودند تا انتخابات پیش‌رو را از آن خود کنند. دلیل اهمیت انتخابات لبنان، به ساختار سیاسی این کشور برمی‌گردد. بر اساس قانون اساسی - که توسط فرانسه در زمان حضورشان به عنوان یک قدرت استعماری در شامات، در لبنان تهیه شد - مجلس این کشور، به صورت سهمیه‌بندی تقسیم شده است. ۱۷ قومیت و مذهب در این کشور زندگی می‌کنند و

***تحلیل جناب‌عالی از انتخابات اخیر پارلمانی لبنان چیست؟**
در یک سال اخیر، مسئله انتخابات در لبنان، به یک موضوع مهم بین‌المللی تبدیل شده بود، هرچند در دو سال اخیر، بحران حاکمیت در لبنان وجود داشته و عملاً دولت اداری فقط مشغول پیش‌برد امور جاری بوده است. عدم تشکیل دولت در لبنان به دلیل دخالت بیش‌ازحد آمریکا، فرانسه و در سطح منطقه، سعودی‌ها بود که به همین دلیل، این انتخابات از یک سو، توسط این کشورها و از سوی دیگر توسط ایران رصد می‌شد. از حدود یک

۴. نکته بعدی، بحث بازسازی سوریه و مشکلات جدی اقتصادی این کشور به دلیل تخریب زیرساخت‌هایش است که در هرکدام از این موارد، جمهوری اسلامی باید طرح و برنامه‌هایی داشته باشد که به چه میزان و چگونه، به کشور سوریه کمک کند.

۵. در نهایت، بحث گزارشی است که طرف سوری به جمهوری اسلامی ارائه می‌دهد؛ در واقع در این سفر، جمهوری اسلامی از گفت‌وگوهای این کشور با کشورهای عربی، مطلع خواهد شد و دولت سوریه نیز مایل است بداند که برای مشکلات این کشور، جمهوری اسلامی، چگونه می‌خواهد همکاری کند و طبیعتاً از آنجایی که سوریه به عنوان قلمرو راهبردی جمهوری اسلامی و محور مقاومت محسوب می‌شود، در هرکدام از این عرصه‌ها، جمهوری اسلامی باید سهمی داشته باشد و مشارکت و راهبری کند تا دولت سوریه به عنوان یک هم‌پیمان راهبردی، بتواند در حل مشکلاتش، پیش‌برد بازسازی و حل مشکل اقتصادی، نظامی و امنیتی موفق شود.



هزینه زیادی توسط طرف غربی و عربستان صورت گرفت تا به نفع نامزدهای حامی خود، رأی جمع کنند، زیرا در لبنان، این پارلمان است که تصمیم می‌گیرد چه کسی رئیس قوه مجریه این کشور باشد و این، تنها انتخاباتی است که مردم لبنان، در آن شرکت می‌کنند. طی یک سال اخیر، فشارهای رسانه‌ای و جنگ روانی علیه حزب الله، کم‌نظیر بود اما یک عامل مهم، باعث کم‌اثر شدن تلاش‌های محور مقابل مقاومت شد و آن مسئله، تنش‌های میان سعودی‌ها و سعد حریری بود که به جدایی حریری از صحنه سیاسی لبنان، منجر شد و همین عامل، موجب خودداری برخی از بدنه اهل سنت لبنان برای شرکت در انتخابات شد. حدود ۴۱ درصد از واجدان شرایط، در این انتخابات شرکت کردند و حزب الله و متحدانش موفق شدند، ۶۸ کرسی از مجموع ۱۲۸ کرسی را تصاحب کنند و خود حزب الله، ۱۶ کرسی را به دست آورد. در مجموع، علی‌رغم یک دوره پرفشار از تحریم، قحطی ساختگی، فشارهای سیاسی و

است که پیچیدگی‌هایی ایجاد شود و مانند کشور ما نیست که هرکسی رأی بیشتری آورد، پیروز انتخابات شود. پارلمان این کشور، ۱۲۸ نماینده نیاز دارد و طی یک سال اخیر،

این تقسیم‌بندی، بر اساس رأی اکثریت نیست، بلکه بر اساس طوایف تقسیم‌بندی می‌شود. مثلاً در نبطیه و جنوب لبنان، شیعیان و مسیحی‌ها سهمیه‌ای مشخص دارند. همین موضوع، باعث شده

زیاد بود که هیچ خبرنگاری اجازه پوشش تصاویر را نداشت و در صورت تصویربرداری، مورد آزار قرار می‌گرفت. هرچند شبکه‌های خبری به صورت زنده این مراسم را پوشش دادند، البته از سوی خبرنگارانی که عمدتاً از رسانه‌های بی‌طرف بودند، اما این خبرنگاران، توسط رژیم و شهرک‌نشینان، به شدت مورد اذیت واقع شدند و همین امر، باعث شد تا در حوزه رسانه، یک بی‌آبرویی بزرگ برای رژیم صهیونیستی به بار بیاید.

با توجه به تضعیف شدید روحیه نظامیان صهیونیست، مقامات این رژیم، به دنبال این بودند که شهرک‌نشین‌های خود را در برابر مردم فلسطین قرار دهند و در نتیجه، تنش میان صهیونیست‌های شهرک‌نشین و مردم فلسطین را تشدید کنند. البته نکته مهم این است که تهدید شهرک‌نشین‌ها مبنی بر تخریب مجموعه مسجدالاقصی، به نتیجه نرسید و این راهپیمایی، به نمایی از واقعیت‌های زشت رژیم صهیونیستی در منظر رسانه‌های جهانی تبدیل شد.

صهیونیست‌های شهرک‌نشین بودند که نقشی پررنگی داشتند. در این مراسم، شهرک‌نشین‌های افراطی و خشن - که در غالب راهپیمایی‌ها حضور دارند - می‌خواستند خود را به باب‌العامود در قدس اشغالی برسانند و با ورود به مسجدالاقصی، مراسم خاص خود را انجام دهند. این حرکت در چند سال اخیر، چنان با خشونت این شهرک‌نشین‌ها همراه شده که به منبع خشونت میان فلسطینی‌ها و این افراد، تبدیل شده است و گروه‌های مقاومت تهدید کرده‌اند، چنانچه این راهپیمایی (با ادعای تخریب مسجدالاقصی) برگزار شود، با حملات موشکی، پاسخ خواهند داد و همین موضوع، موجب ایجاد یک بحران شده بود که بخشی از سران رژیم، مخالف برگزاری این حرکت بودند و اعتقاد داشتند، این مراسم تنش‌ها را بیشتر می‌کند. در مقابل، برخی دیگر مانند وزیر دفاع این رژیم، اعتقاد داشتند که این حرکت، نوعی قدرت‌نمایی است و موجب تضعیف گروه‌های مقاومت و فلسطینی‌ها می‌شود. شدت تنش در این راهپیمایی، به قدری

جنگ روانی - که با هدف زمین زدن حزب‌الله و متحدان داخلی آن صورت گرفت، روند و نتیجه انتخابات، به گونه‌ای رقم خورد که وزن پارلمان لبنان به نفع مقاومت سنگینی می‌کند. هرچند حزب‌الله در ادامه، مسیر سختی برای رسیدن به دولتی باثبات در پیش دارد و پیش‌بینی می‌شود با توجه به شکست آمریکایی‌ها و سعودی‌ها در این انتخابات، آن‌ها بحران جدیدی را برای لبنان ایجاد کنند و اجازه ندهند که حزب‌الله و متحدانش برای تأسیس دولت با ثبات تلاش کنند.

*** در پایان، می‌خواهیم بدانیم نظر شما پیرامون راهپیمایی پرچم در سرزمین‌های اشغالی چیست؟**

یکی از اتفاقات چند روز گذشته، تلاش رژیم صهیونیستی برای برگزاری راهپیمایی پرچم بود که تأثیر جدی بر سرنوشت منطقه، فلسطین و این رژیم خواهد داشت. راهپیمایی پرچم، حرکتی است که این رژیم در چند سال گذشته، ابداع کرده است. در این مراسم، برخلاف مراسم‌های گذشته که نیروهای نظامی و پلیس، نقش پررنگی داشتند، این